

سرگردانی کوچانده‌های سیمره

دولت بدون اینکه تملک در منطقه انجام دهد و قبلا به مردم اطلاع‌رسانی کند، جلوی آب را گرفت و درپچه‌های سد سیمره را بست. بعد از وقوع سیل به صورت اضطراری به مدت ۱۰ تا ۱۵ روز از کوه و تپه‌ها جاده اضطراری برای مردم درست کردند تا آسیب‌دیده‌ها بتوانند فرار کنند؛ اما مردم زندگی‌شان را از دست داده‌اند. ساختمان باغ و زمین کشاورزی‌شان زیر آب رفته است.طهماسبی اضافه می‌کند: مردم روستاهای عرب رودبار آواره شهرها شده‌اند و هنوز تملک اراضی آنها انجام نشده است. ۲۳ تیر سال جاری ۲۰ کارشناس از طرف شرکت آب نیرو کارشناسی زمین‌های منطقه را انجام دادند. کارشناس مرضی‌الطرفین هم حضور داشتند. برای ساختمان، باغات و زمین کشاورزی مردم قیمت‌گذاری کردند؛ حتی خود رئیس‌جمهور با آنها مکاتبه کرده است که سه‌ماهه تمام خسارت مردم را پرداخت کنند. از آن موقع تا‌به‌حال هیچ کار مفیدی برای مردم انجام نده‌اند.

به گفته او، مردم یک بار در استاندارد و یک بار هم در سد سیمره که مقر مهندسان آنهاست، تجمع کرده‌اند. مردم دنبال حقتشان هستند. فردا به آنها برچسب می‌زنند، اما نمی‌گویند این مردم زندگی‌شان را از دست داده‌اند و آواره شده‌اند، به شهرستان‌های اطراف رفته‌اند و حتی توان پرداخت اجاره‌ها را هم ندارند.

این ساکن روستای لکستان رودبار درباره دلیل پرداخت‌نشدن مطالبات مردم می‌گوید: به ما گفته‌اند دولت پول ندارد. این برای دولت بد است که بگویند پول ندارد. در آن منطقه سه هزار نفر ساکن بودند. میزان مطالبات ما تقریبا ۵۰۰ تا ۵۴۰ میلیارد تومان بابت خسارت باغ و ساختمان برآورد شده است. این مبلغ طبق نظر کارشناس و به صورت کلی تعیین شده، اما تفکیک نشده است و معلوم نیست هر خانوار چقدر غرامت دریافت می‌کند.

خرید بخش کوچکی از املاک مردم

شمس‌الدین رودباری، از ساکنان عرب رودبار نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره دلیل ناراضیاتی ساکنان منطقه بیان می‌کند: از سال ۷۹ و دولت هاشمی، هیچ وامی برای ایجاد اشتغال به مردم منطقه ما ندادند و گفتند منطقه ما در مخزن سد قرار گرفته است.

او اضافه می‌کند: اواخر دولت احمدی‌نژاد، پولی آوردند و به وجودی که در این منطقه ۱۳ تا ۱۴ روستا وجود دارد، چند تکه زمین از روستاهای نزدیک مخزن سد را خریدند. به گفته رودباری، با بستن درپچه‌های سد، دو ماه باغ‌های مردم زیر آب رفت و خشک شد و بعد از اینکه دوباره آب را رها کردند، باغ‌هایی که به دلیل غرق‌آب‌شدن خفه شده بودند، از زیر آب بیرون آمدند.

او می‌گوید: ما به وزارت نیرو و نماینده مجلس کاری نداریم، ما مسئولان سد را تحت فشار قرار می‌دهیم تا شاید بالادستی‌ها برایمان کاری بکنند.

این ساکن عرب رودبار ادامه می‌دهد: مردمی که سالانه ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان از باغ‌های خود درآمد داشتند، فقط از دولت خسارت دو تا پنج میلیون تومانی دریافت کرده‌اند. امسال هم هیچ درآمدی کسب نکرده‌اند.

او عنوان می‌کند: هر خانوار منطقه با قیمت‌های فعلی به‌طور میانگین ۹۰۰ میلیون تومان باید غرامت برای خانه و باغ دریافت کند. در این منطقه در هر روستا حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ خانوار زندگی می‌کنند.

سکوت وزارت نیرو در برابر اعتراض مردم

وزارت نیرو در برابر اعتراض مردم سکوت کرده است. روابط عمومی شرکت آب و نیروی ایران به‌عنوان مجری سد سیمره به خبرنگار «شرق» پاسخ دقیقی درباره پرداخت‌نشدن مطالبات مردم نمی‌دهد. روابط عمومی این شرکت احتمال می‌دهد که شورای تأمین استان مسئول پاسخ‌گویی به مطالبات مردم است، اما در این رابطه مطمئن نیست و به خبرنگار «شرق» وعده می‌دهد که با پیگیری مسئله، پاسخی دقیق ارائه کند. بااین حال، در لحظه تنظیم این گزارش این مسئله معلوم نمی‌شود.

زینب اسماعیلی: با سابقه بیش از چهار دهه کار در سیاست داخلی و خارجی، حالا پاسخ همه سوالات را امیدوارانه می‌دهد: آن قدر که به او می‌گویم به صفت دیپلمات داروسزا شما باید دیپلمات امیدوار را هم اضافه کنم. می‌گوید این اقتضای سنن من است. سیدمحمد صدر، دیپلمات شناخته‌شده‌ای است؛ به‌ویژه در حوزه عربی. او معاون وزیر خارجه دولت سیدمحمد خاتمی در حوزه عربی بود، سال‌ها کار در وزارت کشور را نیز پیش‌ازآن در کارنامه کاری‌اش داشت. در دور جدید فعالیت مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به عضویت این نهاد درآمده است. در مصاحبه درباره استدلال مخالفان پیوستن به FATF و تلاش‌های او به‌عنوان عضو موافق سخن گفتیم.

۴ درحال حاضر بیشتر وقتان در مجمع هستید یا وزارت خارجه؟

الان در وزارت خارجه مسئولیتی ندارم. فقط آقای دکتر طریف از من خواسته‌اند که در جلسات مهم مثل جلسات راهبردی با جلسات محتوایی شرکت کنم اما هیچ مسئولیتی در دستگاه دیپلماسی ندارم. مجمع هر دو هفته یک بار جلسه دارد -البته در تابستان کمی بیش از یک ماه تعطیلات دارد که همان زمان من گفتم می‌آید این‌قدر تعطیلات باشد اما ظاهرا روز ۲۰ ساله‌ای است که وجود دارد- یک سری مطالب است که باید برای مجمع مطالعه کنیم که حجمشان کم هم نیست و وقتم به این صورت می‌گذرد.

در پیش از یک سال گذشته، یکی از پرحاشیه‌ترین موضوعاتی که به مجمع تشخیص مصلحت نظام گره خورد، بحث FATF است. شما به‌عنوان یک عضو مجمع برای ما بفرمایید چرا در این نهاد بااین‌همه جلسه و توضیحاتی که ارائه شده درباره پیوستن به این نهاد، به نتیجه نمی‌رسد؟

داستانش طولانی است. یک‌بار که درباره این موضوع بحث شد، به این نتیجه رسیدند که ممکن است تعداد مخالفان پیوستن به FATF بیشتر از موافقان باشد و ظاهرا هم این‌طور بود.

۴ این جلسات چه زمانی بود؟

سال گذشته یعنی سال ۹۷. جمع‌بندی اعضا این بود که در آینده CFT هم به مجمع می‌آید و بهتر است که این دو را باهم بررسی کنیم؛ به این دلیل به تأخیر افتاد. جالب است (قبل از عید) همان‌هایی که مخالف پالرمو بودند، می‌گفتند مخالفتان را اعلام نکنیم، چون اگر اعلام کنیم شب عید است، بر نرخ ارز تأثیر می‌گذارد و به مردم فشار می‌آورد. همان‌جا گفتم خوب در این حرف شما تناقض وجود دارد. اگر می‌دانید مخالفت‌تان بر مسائل اقتصادی کشور تأثیرگذار است، چرا مخالفت می‌کنید؟ پس به ما پیوندید که فکر می‌کنیم عضویت در این نهاد، به نفع کشور است؛ حداقل تحریم جدیدی برای روابط تجاری و بانکی‌مان ایجاد نمی‌کنیم. اما دوستان پاسخی برای این نقد نداشتند. حرف ما موافقان این بود که شما وقتی درک می‌کنید تصمیمی که به آن اعتقاد دارید، باعث ایجاد مشکلات برای کشور می‌شود، چرا این تصمیم را می‌گیرید.

از انتقادهای مخالفان FATF که به فضای رسانه‌ای درز کرده این است که گویا اعضای مجمع نگران همکاری جمهوری اسلامی با جبهه مقاومت و حمایت از آن، بعد از پیوستن به FATF هستند، یا این پیوستن را یک جور امتیاز می‌دانند که ما به آن نهاد یا جامعه جهانی می‌دهیم، پس در ازای آن باید آنها به ما امتیازی بدهند. پاسخ شما به‌عنوان عضو موافق در جلسات به این موضوعات چه بود؟

من سال‌ها مسئول کمک به جبهه مقاومت اعم از حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی بودم. [در دولت اصلاحات] که معاون عربی افریقایی وزارت خارجه بودم، مسئول این موضوع بودم. وقتی دوره کاری دولت آقای خاتمی تمام شد، در اولین ملاقات آقای احمدی‌نژاد با آقای سیدحسن نصرالله (سال ۸۴)، سیدحسن نصرالله گفت در دوره آقای خاتمی آن‌قدر که به ما و مقاومت کمک شد، قبلا چنین اتفاقی نیفتاده بود و ما از پشتیبانی دولت اصلاحات راضی بودیم.

اجازه دهید همین‌جا در صحبت شما وقفه‌ای ایجاد کنم. نقل‌قولی که شما از سیدحسن نصرالله مطرح کردید، حتما در افکار عمومی داخلی ایران بازتاب زیادی خواهد داشت. لطف برای ما درباره این نگاه به بیشتر توضیح بدهید. بیشتر حمایت مالی بود یا معنوی؟

هر دو بود. نمی‌توانم با اعداد دقیقی بگویم. بحث مقاومت و لبنان، بحث امنیت ملی ماست. یکی از پرسش‌های مردم، مخصوصا جوانان این است که با توجه به اینکه داخل کشور مشکلات اقتصادی داریم، چرا به آنها کمک می‌کنیم. آنها به این نکته توجه نمی‌کنند که کمک‌کردن

پیوستن به FATF ربطی به کمک به جبهه مقاومت ندارد

به حزب‌الله و لبنان وظیفه ماست؛ برای اینکه امنیت ایران، مرزها، کشورمان و امنیت انقلاب را تأمین کنیم و باید از تهدیداتی که همیشه برای ما وجود دارد، جلوگیری کنیم. واقعیت این است که اسرائیل و آمریکا برای ایران تهدید هستند و شوخی هم ندارند. الان کم‌کم خبرهایش منتشر می‌شود که اسرائیل چقدر در ایران کار اطلاعاتی- امنیتی انجام می‌دهد و حتی سعی می‌کند به سری‌ترین بخش‌های ایران نفوذ کند. اقداماتی که درباره مسائل هسته‌ای انجام می‌دهد یا جنگ‌های سایبری که علیه ایران دنبال می‌کند، همه تهدیدهایی است که اسرائیل با کمک آمریکا انجام می‌دهد. بنابراین باید از این تهدیدات جلوگیری کنیم. اگر کمک‌ها به جبهه مقاومت و همکاری با آنها نبود، چه‌بسا اسرائیل یا آمریکا به ایران حمله نظامی می‌کردند. این یکی از توان‌های ماست که آنها را از حمله به ایران بازمی‌دارد.

شما معتقدید ما با کمک‌هایمان به جبهه مقاومت، یک جور حصار دور مرزهای خودمان می‌کنیم.

تکوییم حصار. درواقع برای کشور امنیت ایجاد می‌کنیم.

با برگردیم به بحث قبلی، به منتقدان مجمع در مورد پیوستن به FATF که معتقدند کمک‌های ما به جبهه مقاومت محدود می‌شود، چه جوابی دارید؟

به‌هیچ‌وجه کمک‌های ما را محدود نمی‌کند. هم در گذشته انجام می‌شد و الان هم انجام می‌شود. روش کمک ما روشی نیست که بتواند از طریق FATF یا CFT جلویش گرفته شود. این آقایان چون نمی‌دانند، این را بهانه می‌کنند؛ مثلا مخالفان در مورد CFT می‌گویند به بهانه مبارزه با تروریسم جلوی همکاری ما با جبهه مقاومت را می‌گیرند. غافل از این نکته که تعریف «تروریسم» در هر کشور برعهده خودش است. اگر آمریکا اعلام کرد یک گروه تروریستی است یا این معنی نیست یا CFT یا پالرمو یا FATF از آن تبعیت می‌کند، در بندهای CFT این نکته هست که هر کشوری خودش تروریسم را تعریف کند. بر این اساس، شورای‌عالی امنیت ملی ما تعریف می‌کند که چه گروهی از نظر ما تروریستی است. تعریف تروریسم از جنبه بین‌المللی هم توسط سازمان ملل انجام می‌شود که به‌جز داعش، القاعده و طالبان گروه دیگری در آن نیست که ما آنها را تروریستی بدانیم. بر این اساس، به‌هیچ‌وجه گروه مقاومت، حزب‌الله و فلسطین از منظر بین‌المللی جزء گروه‌های تروریستی نیستند.

تحلیل مخالفان پیوستن به FATF در مجمع چیست؟ آیا طیفی از راست سنتی هستند که می‌خواهند با دولت مخالفت کنند یا برجام را شکست‌خورده می‌دانند و می‌خواهند این‌گونه قید هرگونه همکاری با جامعه بین‌المللی را بزنیم؟

در پاسخ به این سؤال باید بگویم که بیایید تلاش کنیم در کام اول یاد بگیریم که نیت‌خوانی نکنیم؛ یعنی تکویم به این دلیل مخالفت می‌کند، چون از نیت افراد به‌جز خدا کسی مطلع نیست. آنچه مخالفان می‌گویند (که اشتباه هم می‌گویند) این است که با پیوستن به پالرمو یا CFT با توجه به اینکه در تحریم آمریکا هستیم، برای دوزدن تحریم‌ها دچار مشکل می‌شویم. خوب باید این را ببینیم که از لحاظ اجرایی چه کسی باید تحریم‌ها را دور بزند؟ غیر از این‌ است که باید دولت، بخش‌های اقتصادی، بانک مرکزی، وزارت نفت و دارایی، سازمان برنامه‌وبودجه و وزارت نفت باید انجام دهند؟ خوب همه این نهادها می‌گویند اگر FATF را تصویب نکنید برای ما مشکل ایجاد می‌کند؛ برای اثبات یک چیز یا باید دلائل قلمی آورد یا دلائل نقلی. دلائل عقلی این امر که مشخص است؛ می‌گویم اگر اینها را رد کنیم، هدیه بزرگی به تحریم‌ها داده‌ایم؛ یعنی کمک می‌کنیم که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به تحریم‌های بین‌المللی تبدیل شود. مطمئنم که بسیار هم خوشحال خواهد شد. اما دلیل نقلی؛ ببینیم آتهایی که دست‌اندرکار این قضیه هستند چه می‌گویند. بانک مرکزی، معاون حقوقی رئیس‌جمهور و ... همه در این زمینه صحبت کرده‌اند، بنابراین عقل و نقل هر دو حکم می‌کند که حتما اینها را تأیید کنیم.

چندی پیش آخرین جلسه گروه ویژه اقدام مالی در پاریس برگزار شد و اگرچه چهار ماه دیگر به ایران فرصت دادند، اما بیانه هشدارآمیزی

دیپلماسی

سیدمحمد صدر در گفت‌وگو با «شرق»:



سیدمحمد صدر، رئیس‌جمهور سابق

به ما دادند که اگر تا موعد زمانی اعلام‌شده این لوائح تصویب نشود، شرایط ما به عقب بازمی‌گردد، به نظرات‌ان تا بهمن‌ماه جلسه‌ای در مجمع خواهیم داشت که به این موضوع بپردازد و امیدوار به تغییر نظر دوستان هستیم؟

سعی می‌کنم امیدوار باشم. با توجه به مطالبی که گفته شد، عقل حکم می‌کند که اینها را تصویب کنیم، چون به نفع جمهوری اسلامی و مردم است برای اینکه حداقل در فشارهای بیشتر اقتصادی قرار نگیریم. ۴ نمی‌خواهم نیت‌خوانی کنم، اما فکر نمی‌کنید گویی با موضوع به نوعی لجبازی می‌شود؟ اجازه دهید قضیه را تلخ نکنیم. افراد با افکار مختلف هستند و سعی می‌کنیم با همه دوست باشیم و از هم یاد بگیریم. یک مثال می‌زنم؛ چندی پیش من مطلبی در رد نظرات جناب آقای موسوی‌خوینئی‌ها درباره نظر امام موسی صدر نوشتم. من با آقای موسوی‌خوینئی‌ها دوست قدیمی هستم. سعی کردم آنجا به هم یاد دهیم که می‌توانیم با همه دوست باشیم، اما نظرات مخالف دارند. باید مخالفت‌ها با داشتن نظرات متفاوت، باعث به‌هم‌خوردن دوستی یا توهین شود. می‌توانیم یکدیگر را نقد کنیم بدون اینکه توهین و فحاشی کنیم.

۴ در ادامه گفت‌وگو در سوالاتم می‌خواهم بیشتر در مورد حوزه عربی و فضای دیپلماسی منطقه‌ای ببرسم. اخیرا شنیده می‌شود که برخی، از تغییر مواضع عربستان در مورد ایران سخن می‌گویند. این محور را شما از مدت‌ها پیش در مصاحبه‌هایشان دنبال می‌کردید. آیا پالسی از عربستان داریم که ما را به این تغییر امیدوار کند و نشان دهد که عربستان در حال تغییر است یا خاندان سدری‌ها قرار است مورد تسویه‌حساب واقع شوند؟

اشعار فارسی‌ای یک مصرع یا بیت است ولی یک دنیا مطلب دارد. بسیار سفر باید/ تا پخته شود خامی/ صوفی نشود صافی/ تا برنکشد جامی. منظورم آقای محمد بن‌سلمان است. رابطه جمهوری اسلامی ایران با منطقه و عربستان در دوره اصلاحات بسیار عالی بود. یادم هست در سمنینار وزارت خارجه آیت‌الله خامنه‌ای به این قضیه اشاره کردند و از اینکه در این دوره رابطه با کشورها در منطقه عربی بهتر شده، تشکر کردند. اما ما دیگر به آن دوره بر نمی‌گردیم. متأسفانه یکی از غصه‌های من همین است که آقای احمدی‌نژاد همه دستاوردهای سیاست خارجی دولت اصلاحات را از بین برد و برای ما که کلی زحمت کشیدیم، نازحت‌کننده است. این قضیه ادامه پیدا کرد تا به دولت آقای روحانی رسید. اگر باتان با شد، در مصاحبه‌های می‌گفتم عربستان و کشور‌های منطقه باید بداندن دولت در ایران تغییر کرده. آقای روحانی هم دوست داشت که همان خط دولت اصلاحات را در ارتباط با سیاست خارجی در منطقه دنبال کند اما نشد.

۴ دولت اصلاحات در حوزه منطقه یک ویژگی داشت؛ حضور برخی از اشخاص مثل شما، آقای ملکی و افرادی که در منطقه شناخته‌شده بودند و حتی نسبت‌های فامیلی بین خاندان شما و خاندان صدر در عراق وجود دارد، با استفاده از پتانسیل آقای هاشمی‌رفسنجانی در حوزه ارتباط با عربستان. اما در دولت آقای روحانی حوزه عربی در حالت بلاکلیفی ماند و حتی ویت‌ترین ارتباط با منطقه را عوض نکردیم.

این نظر شما را خیلی‌ها آن زمان مطرح می‌کردند که در نهایت آقای دکتر طریف این تصمیم را گرفت. این قضایا هم‌زمان با فوت ملک‌عبدالله شد. عبدالله فرد خیلی عاقلی بود و به آقای خاتمی خیلی علاقه داشت. فوت ملک‌عبدالله انصافا خیلی به سیاست این کشور ضربه در ایران ضربه زد اگرچه ایشان هم آخر دولت آقای احمدی‌نژاد به رئیس‌جمهور آمریکا توصیه کرده بود سر مار را بزن. آن‌قدر سیاست‌های آقای احمدی‌نژاد در منطقه منفی بود که عبدالله که دوست صمیمی جمهوری اسلامی ایران بود، به آمریکا گفته بود که به ایران حمله کنید.

در حالی که در حادثه برج‌های اخیر، زمانی‌که ۱۹ آمریکایی در عربستان کشته شدند، آمریکایی‌ها ۱۹ نقطه را در ایران شناسایی کرده بودند تا بمباران کنند، اما ملک‌عبدالله قبول نکرد. آمریکا می‌خواست رضایت عربستان را بگیرد و به ایران حمله کند اما عبدالله حاضر به این کار نشد- البته آن زمان ولیعهد نبود اما چون فهد بیمار بود تصمیم‌گیر اصلی عبدالله بود- اما می‌بینیم کسی که باعث

جلوگیری از حمله آمریکا به ایران می‌شود، در آخر دولت احمدی‌نژاد به آمریکا توصیه می‌کند سر مار را بزند. با این عربستان، رسیدیم به جایی که آقای بن‌سلمان، ولیعهد و وزیر دفاع شده است و تقریبا همه‌کاره. امیدوارم هیچ‌گاه اسیر این توهم نشویم که گاهی یکباره انسان تصور می‌کند خیلی قدرت دارد. نمونه این قضیه درباره عربستان و یمن است. محمد بن‌سلمان، یمن را محاصره کرد. عربستان فکر می‌کرد که کلی نیروی هوایی قوی دارد. یمن یک هواپیما هم ندارد و می‌تواند در سه، چهار ماه کار را تمام کند. اشتباه محاسباتی گاهی باعث نابودی می‌شود. درباره کشورهای مختلف این اتفاق افتاده است. محمد بن‌سلمان فکر می‌کرد چندماهه یمن را ساقط می‌کند و بعد هم نوبت بنشار اسد است، در پاکستان و افغانستان هم که با پول در حال نفوذ هستند. بنابراین دلیلی ندارد با ایران رابطه خوبی داشته باشد. به‌اصطلاح شمشیر را از رو بست. فعالیت‌های جدی زیادی علیه ایران کرد؛ آن زمان هم عادل الجبیر را به عنوان وزیر خارجه منصوب کرد که مثلا کسی مثل دکتر طریف ما باشد (چون او هم قبلا نماینده کشورش در آمریکا بوده) و موضوع‌گیری‌های خیلی بد داشت. البته اینجا این را هم یادآوری کنم؛ گروهی به سفارت عربستان حمله کردند و این کار یک خیانت بزرگ و بهانه خوبی بود که عربستان رابطه‌اش را با ایران قطع کند. دومین تحلیل اشتباه عربستان این بود که اگر بخواهند وارد جنگ نظامی با ایران شوند، آمریکا از آنها حمایت می‌کند. اسرائیل هم در این زمینه مؤثر بود. اسرائیل در عربستان هر دو علاقه‌مند بودند با ایران وارد جنگ و درگیری نظامی شوند اما هر دو می‌دانستند حتما در مواجهه با ایران شکست می‌خورند و باید آمریکا را وارد کنند. ترامپ هم پاسخ خوبی به آنها داد و گفت ما پول شما را می‌خواهیم. الان به این نتیجه رسیدند که ترامپ برای درگیری نظامی با ایران از حمایت‌دهنده نمی‌کند و خودشان هم این توانایی را ندارند و کم‌کم در حال سر عقل‌آوردن هستند.

۴ چه پالسی از عربستان در این‌باره دریافت کرده‌ایم؟

در مصاحبه‌ای که محمد بن‌سلمان انجام داد، گفت ما سعی می‌کنیم مشکلات‌مان را با ایران از طریق دیپلماسی و غیرنظامی حل کنیم که غیر از این تلویحا موارد دیگری هم هست.

۴ پاک‌سازی درون پادشاهی یک سنت قدیمی در عربستان بود. این خطر را برای محمد جدی نمی‌بینید که ریش‌سفیدان قوم، او را از کار برکنار و در فضای عربستان تغییر ایجاد کنند؟

به‌صورت تحلیلی می‌شود گفت چنین احتمالی وجود دارد، چون ماهیت حکومت و حاکمیت عربستان محافظه‌کارانه است. این ماهیت از زمان تشکیل دولت سعودی ادامه داشته و هر زمان که می‌خواستند بگویند سمبل دولت محافظه‌کار کیست، دولت عربستان را مثال می‌زنند. محمد بن‌سلمان این سنت ۷۰، ۸۰ ساله را به هم زده و وارد کارهای ماجراجویانه‌ای شده است که هیچ سختی یا ماهیت محافظه‌کارانه این حکومت ندارد. بنابراین طبیعی است که یک‌سری مخالف در خانواده یا وزارت خارجه و شاهزادگان داشته باشد که حتما هم دارد. البته تا به‌حال شخص شاه از او حمایت کرده، به جز قضیه کشتن قاشقچی در سفارت عربستان در ترکیه به آن صورت فحیح که موقعیت داخلی و بین‌المللی‌اش خیلی تضعیف شد که البته در مصاحبه‌ای گفت در جریان نبودم اما مسئولیت را می‌پذیرم. الان به سمت عاقلانه‌تر عمل‌کردن می‌رود.

۴ اخیرا عمران خان مدعی میانجیگری است. شما معتقدید باید ایران و عربستان رابطه‌شان را با میانجیگری پیش ببرند یا هیئت‌هایی بین دو کشور ردوبدل شود؟ این گره بالاخره چگونه می‌تواند باز شود؟

ما افرادی را که حسن‌نیت دارند و می‌خواهند میانجیگری کنند، نفی نمی‌کنیم؛ چون میانجیگری هم یک امکان دیپلماتیک است و در دیپلماسی باید از همه ابزارها استفاده کرد. اما واقعا رابطه ایران و عربستان به‌گونه‌ای است که دو دولت خیلی راحت می‌توانند باهم صحبت کنند. درست است که رابطه‌مان باهم قطع است اما دو کشور و مسلمان و همسایه در منطقه هستیم و یکدیگر را به رسمیت می‌شناسیم. همین میانجیگری‌ها هم در نهایت به مذاکره مستقیم می‌رسد. به نظر من خیلی دور نیست.

۴ یکی از اتفاقات مهم در ماه‌های اخیر، درگیری بین نفت‌کش‌هاست. هر نفت‌کشی که آسیب می‌بیند، طرف مقابل می‌گوید باید تاوان سختی ببیند. این سطح از تضارب بینن نفت‌کش‌ها نگران‌کننده نیست؟

قطعا به نفع کسی نیست.

۴ برخی معتقدند این کار توانسته قیمت نفت را افزایش دهد که برای ایران خوب است.

قیمت نفت افزایش چندانی نداشته‌است. است. این مسئله واقعا فقط به خلیج فارس و دریای سرخ و منطقه ارتباط ندارد. مسئله انرژی و نفت مسئله جهانی است. در درجه اول کشورهای منطقه هستند که تکلیفشان روشن است. در درجه دوم مقاصد نفت خاورمیانه است. الان آمریکا ادعا می‌کند به نفت خلیج فارس نیاز ندارد اما هند، اروپا، چین، کره و کشورهای دیگر که به انرژی نیاز دارند.

ادامه از صفحه ۱۵

یادداشت

تابلوی خودمان را بلند کنیم

امیر راعی‌فرد - روزنامه‌نگار

● هرچه موعد انتخابات نزدیک‌تر می‌شود، تکاپوی جریان‌ات سیاسی نیز به تبع آن افزایش می‌یابد. تلاش فراوان گروه‌های سیاسی مختلف جهت متقاعدکردن جامعه برای اعتماد به آنها منتهی‌حجته‌هایی بعضا غیرمتمعارف به وجود می‌آورد. به عنوان مثال رفتار جریان منسوب به احمدی‌نژاد و مواضع جالب و بعضا ابوزیسیون‌وار آنها و صدالبتیه آزادی کامل این جریان سیاسی در اظهارات خود یکی از شبهات این دوره انتخابات را کلید زده است.شبهه‌ای که اگر کمترین مورد آن از سوی حامیان اصلاحات مطرح شود، احتمالا باز هم شاهد مشکلاتی در این زمینه خواهیم بود.جداشدن اصولگرایان سنتی از جریان موسوس به عدالت‌خواه نیز یکی از قسمت‌های پازل انتخابات پیش‌روست؛ انتخاباتی که در ظاهر رقابایی بیش از دو جریان سیاسی در آن خیل خواهند بود. پرواضح است که مشارکت پایین مردمی در انتخابات، نه تنها بیامی برای جریان غالب سیاسی ندارد بلکه راه این جریان را به‌عنوان منتخبان ملت به کرسی‌های انتخابی باز خواهد کرد.در این بین اصلاح‌طلبان که همواره در باره نظارت استصوابی بحث داشتند، باید نقشی پررنگ و این بار تنها اصلاح‌طلبانه را ایفا کنند. به این معنا که در انتخاب اولیه کاندیداها تنها به عملکرد و مواضع اصلاح‌طلبانه فرد و سلامت مالی و اخلاقی‌اش توجه شود نه به معادلات کاسبکارانه سیاسی، به عبارتی قرار نیست این بار لیستی به هر قیمتی تکمیل شود که در انتها حتی در اصلترین اصول اصلاح‌طلبی‌ها هم لنگ برزند.حضور ساکنان و کاسبان که به هر روشی امکان اتضالشان به اصلاح‌طلبان وجود دارد سبب سلب اعتماد بخشی از بدنه اجتماعی اصلاح‌طلبان شده است، آنچه امروز بیش از پیش از اهمیت برخوردار است، جذب مجدد و جلب اعتماد خاکثری بدنه فعال اصلاح‌طلبی است. بده‌ای که مجذوب کاسبکاری‌های سیاسی نمی‌شود و هنوز دغدغه رشد و تعالی جامعه مدنی در کشور را دارد. بدنه‌ای که نهادهای انتخابی را راه برون‌رفت از بن‌بست‌ها می‌داند.شاید بتوان مدعی شد که احزاب یا دست‌کم برخی احزاب ظاهرا اصلاح‌طلب به دلیل نداشتن بدنه قوی اجتماعی علاقه‌مندند تا همچنان نقش پندروندگی خود را در برابر سایرین ایفا کنند. نقشی که با روح دموکراسی‌خواهی در تضادی جدی قرار دارد. برای روشن‌شدن این جریان کافی است به نوع رفتار احزاب در انتخابات دقت کنیم. عده‌ای در اتفای نشسته و برای عده کثیری تصمیم می‌گیرند که حتی این تصمیمات الزاما مفهومی اصلاح‌گرایانه ندارد. به عبارتی جریان‌اتی به دموکراسی از بالا بر مبنای خواسته‌های حزبی بیشتر معتقد هستند تا حضور مستقیم بدنه اجتماعی در انتخاب افراد. انتخابی که الزاما به پرشدن یک کاغذ تبلیغاتی نمی‌نم‌انجامد اما دست‌کم در حفظ حرمت یک جریان سیاسی نهاده‌اند بسیار کمک‌حال خواهد بود. بازسازی پایگاه‌های رای و جلب اعتماد مجدد جریان حامی اصلاح‌طلبان در صورت تأیید خاکثری اصلاح‌طلبان واقعی و تن‌ندادن مجدد این‌جریان به قواعد بدبستان‌های سیاسی تنها راه حضور در انتخابات خواهد بود. شاید مردم دیگر از گوی سیاه هراسی نداشته باشند و دوگانه‌سازی مقطعی پاسخگوی مشارکت خاکثری نباشد. این بار تنها شاید تابلوی اصلاح‌طلبی تام ناجی مشارکت مردمی شود. آری باید تابلوی خودمان را بلند کنیم...

آینه

کیم‌تان

● گام چهارم کاهش تبعات در برجامی میلی‌متری یا بازدارنده؟آگام اول ایران در کاهش تعهدات، «ملزم‌نبودن به رعایت سقف ۲۰۰ کیلوگرمی ذخایر اورانیوم غنی‌شده، ملزم‌نبودن به رعایت محدودیت غنی‌سازی اورانیوم تا سقف ۶۷/۳ درصد، خارج‌نکردن سرازات آب‌سنگین»، گام دوم «اجرایی‌شدن افزایش سطح غنی‌سازی از ۶۷/۳ درصد» و گام سوم هم «کاهش و توقف برخی تعهدات ذیل برجام ماند برداشتن محدودیت‌ها روی فعالیت‌های تحقیق و توسعه (R & D) ازجمله توسعه و راه‌اندازی نسل جدید سانترفیوژ‌ها در تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم» بود. گفتنی است که بر اساس اعلام‌های منابع آگاه، این موضوع همچون گام‌های قبلی که برای کاهش تعهدات صورت گرفت، بعد از بررسی و تصمیم‌گیری در شورای عالی امنیت ملی انجام خواهد شد...

۱۵

● دلار، ۴۲۰تومانی کار خود رئیس بود؛ سیاستی که دولت در فروردین ۹۷ اتخاذ کرد، سیاستی کنترل‌لی بود. از ۲۱ فروردین‌ماه تا پایان خرداد بدون هیچ محدودیتی برای همه کالاها قابل تخصیص و پرداخت بود و همین مسئله موجب افزایش شدید و حدود ۲۰۰درصدی ثبت سفارش واردات شد و همین موضوع باعث شد تا به گفته یک تولیدکننده لوازم خانگی حتی واردکننده قاشق و جنگال نیز از این فرصت استفاده کند و چندین برابر روال عادی ثبت سفارش و واردات انجام دهد.